

## چرا همه ثروتمند نیستند؟! (جزء ۲۵)



جزء بیستم و پنجم قرآن کریم که از آیه ۴۷ سوره مبارکه فصلت آغاز و به پایان سوره مبارکه جاثیه ختم می شود در بردارنده آموزه ها و پیامهای روح افزای الهی است که این نوشته تعدادی از آنها را نقل می کند :

### تنها مزد رسالت

در آیه ۴۲ سوره شوری به رسول خدا صلی الله علیه و آله امر می شود که به مردم بگوید: من مزدی برای رسالتم از شما نمی خواهم (قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا). این دستور برای آن است که گاه این توهم ایجاد می شد که او چه اجر و پاداشی در برابر رسالت خود از مردم خواهد خواست. برای همین آیه نازل شد و پاسخ آنها را داد.

این نفی درخواست به قالبی بیان شده [۱] که درخواست هر گونه مزدی را نفی می کند.

اما بلافاصله قیدی می خورد که چون از جنس مزد شناخته شده بین مردم نیست ضرری به معنای فرآگیری که بیان شد نمی زند. در این قید آمده است: (هیچ مزدی نمی خواهم) جز اینکه ذوی القربای مرا دوست بدارید (إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) که چون این مودت، بازگشتش به پیروی از خاندان وحی و نبوت و حضرات معصومین علیهم السلام است و حقیقتش به سعادت رسیدن خود انسان است نمی توان آن را مزدی برای شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله دانست. برای همین در آیه ای دیگر، آن خواسته شده را به نفع مومنان می داند و نه سودی برای رسول خدا (ص):

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ؛ بگو: هر گونه پاداشی که از شما خواستم، آن پاداش به سود خود شماست، پاداش من فقط بر عهده خداست.

وقتی گفته می شود صلاح حال مردم در اندازه ارزاقشان دخالت دارد این سوال به ذهن می آید که آیا این قانون با طغیانی که در بعضی ثروتمندان مشاهده می کنیم و می بینیم که روز به روز ثروتمندتر می شوند منافات ندارد؟

### چرا همه ثروتمند نیستند؟

آیه ۲۷ شوری به این پرسش مشهور پاسخ می دهد که چرا همه مردم روی زمین ثروتمند نیستند؟

آیه شریفه می فرماید: اگر خداوند متعال رزق همه بندگان خود را افزایش بدهد و همه را بی نیاز کند (لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ)؛ شروع می کنند به ظلم کردن در زمین (لَيَبْعُو فِي الْأَرْضِ)؛ چون طبیعت مال، این است که وقتی زیاد شد طغیان و استکبار می آورد؛ همانگونه که در سوره علق فرمود: إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ؛ بگو: انسان بی نیازی است؛ یقیناً وقتی انسان بی نیاز شود طغیان می کند. [۲]

به همین جهت خداوند متعال رزق هر کس را به اندازه نازل می کند و به هر کس به مقدار معینی روزی می دهد (وَ لَكِنْ يَنْزِلُ بِقَدْرِ مَا يَشَاءُ)؛ چون او به حال بندگان خود خبیر و بصیر است (إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ). او می داند که هر یک از بندگان استحقاق چه مقدار از رزق را دارد و چه مقدار از دارایی و نداری مفید به حال او است، همان را به او می دهد. و این، معنای نزول به مقدار مشیت الهی است که در روزی دادن به مردم اعمال می شود.

وقتی گفته می شود صلاح حال مردم در اندازه ارزاقشان دخالت دارد این سوال به ذهن می آید که آیا این قانون با طغیانی که در بعضی ثروتمندان مشاهده می کنیم و می بینیم که روز به روز ثروتمندتر می شوند منافات ندارد؟

پاسخ این است که خداوند متعال غیر از آن قانون (سنت)، قانون دیگری نیز دارد که به نام قانون آزمایش و امتحان که در این باره می فرماید: **إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ**؛ اموال و اولاد شما وسیله آزمایش شما است. [۳]

و همچنین قانون سومی دارد به نام سنت مکر و استدرج است. [۴]

بنابر این قانون رزق هر کس متناسب با او، قانونی است که با آن، اوضاع انسانها اصلاح می شود؛ مگر آنکه خداوند بخواهد انسانی را در بوته امتحان قرار دهد که در آن صورت دیگر به طور موقت از این قانونش چشم می پوشد. [۵]

قانون رزق هر کس متناسب با او، قانونی است که با آن، اوضاع انسانها اصلاح می شود؛ مگر آنکه خداوند بخواهد انسانی را در بوته امتحان قرار دهد که در آن صورت دیگر به طور موقت از این قانونش چشم می پوشد

و یا به دلیل کفران نعمت و تغییر آن، قانون قبلی خود را که دادن رزق به مقتضای صلاح حال او بود تغییر دهد که در این صورت قانون دیگری را به جریان می اندازد و آن این است که آن قدر رزقش را افزایش می دهد تا طغیان کند. [۶] [۷]

## چرا باید به فلسطین و سوریه و ... کمک کنیم؟

آیه ۳۹ شوری در توصیف مومنان می فرماید: آنها کسانی اند که هر گاه ستمی به آنان رسد تسلیم ظلم نمی شوند و برای مقابله با آن از دیگران یاری می طلبند (و الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ).

ناگفته پیداست که در برابر وظیفه «یاری خواهی» در مقابل ستم، مومنین دیگر هم وظیفه یاری کردن دارند؛ زیرا یاری طلبیدن بدون یاری کردن لغو و بیهوده است. در حقیقت هم مظلوم موظف به مقاومت در برابر ظالم و فریاد بر آوردن است و هم مومنان دیگر موظف به پاسخ دادن به ندای او هستند.

**این برنامه مثبت و سازنده به ظالمان هشدار می دهد که اگر دست به ستم بیالایند مومنان ساکت نخواهند نشست و در برابر آنها به پا خواهند خاست. به مظلومان هم این اعتماد را می بخشد که اگر استغاثه کنند دیگران به یاری آنها خواهند شتافت [۸].**

و اگر کسی از قرآن، دلیل کمک به مظلومان عالم؛ مانند فلسطین و سوریه و مانند آن را خواست او را به همین آیه و آیات نظیر آن رهنمون می سازیم تا بداند که مسلمان فقط خود و منافع خود را نمی بیند؛ بلکه وظایفی دارد به وسعت کره خاکی که البته توانائی او سهم تعیین کننده ای در آن دارد زیرا فرمود: **لَا تَكْلَفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا**؛ هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی شود. [۹]

اگر کسی از قرآن، دلیل کمک به مظلومان عالم؛ مانند فلسطین و سوریه و مانند آن را خواست او را به همین آیه و آیات نظیر آن رهنمون می سازیم تا بداند که مسلمان فقط خود و منافع خود را نمی بیند؛ بلکه وظایفی دارد به وسعت کره خاکی که البته توانائی او سهم تعیین کننده ای در آن دارد زیرا فرمود: **لَا تَكْلَفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا**؛ هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی شود

## ذکری به هنگام سوار شدن

شیخ صدوق (ره) در کتاب خصال خود روایت مفصلی از امیرمومنان علی (علیه السلام) نقل می کند که در آن امام علیه السلام چهار صد آموزه دینی که دنیا و آخرت انسان را آباد می کند را به یارانش تعلیم کرده است. در بین این نکات فراوان، امام علیه السلام نکته‌ای می فرماید که مربوط به آیات ۱۳ و ۱۴ سوره مبارکه زخرف است.

حضرت فرمود: وقتی سوار مرکب و یا هر وسیله نقلیه ای شدید بسیار خدا را یاد کنید (إِذَا رَكِبْتُمُ الدَّوَابَّ فَادْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ) و بگویید: **سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ**؛ یعنی: منزه از هر عیب و نقصی است

کسی که این وسایل سواری را برای ما مسخّر و رام کرد در حالی که ما را قدرت مسخّر کردن آنها نبود و بی تردید ما به سوی پروردگارمان باز خواهیم گشت. [۱۰]

که امروز می توانیم ما این ذکر و این آیات را به هنگام سوار شدن به موتور و ماشین، هواپیما و قطار بخوانیم و از بهره معنوی آن استفاده کنیم.

## دلیل نابرابری اقتصادی

آیه ۳۲ سوره زخرف ابتدا از تقسیم رحمت الهی با تمام مصادیق آن در این دنیا از سوی خود خداوند متعال خبر می دهد (نَحْنُ قَسَمْنَا بِيَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا).

اگر هم تفاوت و اختلافی از نظر سطح زندگی در میان انسانها مشاهده می شود هرگز دلیل آن در مقامات معنوی نیست؛ بلکه: ما معیشت آنها را در حیات دنیا در میان آنان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا آنها یکدیگر را به کار گیرند و به یکدیگر خدمت نمایند (رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا).

نباید فراموش کرد که زندگی بشر يك زندگی دسته جمعی است و اداره این زندگی جز از طریق تعاون و خدمت متقابل امکان پذیر نیست. هر گاه همه مردم در يك سطح از نظر زندگی و استعداد و در يك پایه از نظر مقامات اجتماعی باشند اصل تعاون و خدمت به یکدیگر و بهره‌گیری هر انسانی از دیگران متزلزل می‌شود؛ بنابراین نباید این تفاوت ضروری آنها را بفریبید و آن را معیار ارزشهای انسانی پندارند. [۱۱]

برای همین در پایان آیه فرمود: بلکه رحمت پروردگار تو از تمام آنچه گردآوری می کنند (از نام و نان ، مال و مقام) برتر و بهتر است (وَ رَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ).

پی نوشت:

۱. انکره در سیاق نفی مفید عموم است

۲. علق ۷/

۳. تغابن ۱۵/

۴. اعراف ۱۸۲/

۵. آل عمران ۱۵۴/

۶. رعد ۱۱/

۷. ک به المیزان فی تفسیر القرآن ۱۸/۵۵-۵۸

۸. ک به تفسیر نمونه ۲۰/۲۶۵-۴۶۴

۹. بقره ۲۳۳/

۱۰. اخصال ۲/۶۳۴

۱۱. تفسیر نمونه ۲۱/۵۰

